

## MMPI-۲ Short

پرسشنامه ۷۱ جمله است هر يك از جملات را به دقت بخوانيد و درستي آن را در مورد خودتان با درج علامت ( x ) در پاسخنامه مشخص كنيد. هر مورد كه علامت ( x ) نداشته باشد پاسخ شما "خير" محسوب خواهد شد.

- ۱) اشتهاي خوبي دارم.
- ۲) بيشتر صبح ها خوش و سرحال از خواب بر مي خيزم.
- ۳) زندگي روزانه من پر از چيزهايي است كه برايم جالبند.
- ۴) موقع كار فشار و ناراحتي زيادي احساس مي كنم.
- ۵) گاهي فكرهاي بدني مي كنم كه نمي شود در باره آن صحبت كرد.
- ۶) به ندرت دچار بيوست مي شوم.
- ۷) بعضي وقتها خيلي دلم مي خواهد خانواده ام را ترك كنم.
- ۸) گاهي اوقات آن چنان به گريه يا خنده مي افتم كه نمي توانم جلوي آن را بگيرم.
- ۹) هر چند وقت يك بار تهوع و استفراغ ناراحتم مي كند.
- ۱۰) به نظرم هيچ كس مرا درك نمي كند.
- ۱۱) گاهي دلم مي خواهد ناسزا بگويم.
- ۱۲) هر چند شب يك بار دچار كابوس مي شوم ( خوابهاي وحشتناك مي بينم ).
- ۱۳) برايم مشكل است كه حواسم را روي كاري متمرکز كنم.
- ۱۴) من تجربه هاي مخصوص و عجيبی داشته ام.
- ۱۵) اگر ديگران برايم نزده بودند من بيشتر موفق بودم.
- ۱۶) در دوران جواني مرتكب سرقتهاي جزيي شده ام.
- ۱۷) گاه بگناه روزها ، هفته ها و حتي ماهها بوده كه دست و دلم به كاري نرفته است.
- ۱۸) خوابم آشفته است.
- ۱۹) با ديگران كه هستم تحمل شنيدن حرفهاي عجيب و غريب آنها را ندارم.
- ۲۰) اكثر كساني كه مرا مي شناسند از من خوششان مي آيد.
- ۲۱) اغلب مجبور بوده ام از كساني اطاعت كنم كه به اندازه من نمي فهميدند.
- ۲۲) كاش به اندازه ديگران خوشحال بودم.
- ۲۳) فكر مي كنم بسياري از مردم براي جلب كمك و همدردي ديگران بدبختي هاي خود را بزرگتر جلوه مي دهند.
- ۲۴) بعضي وقتها خشمگين مي شوم.
- ۲۵) واقعا" اعتماد به نفس ندارم.

- ۲۶) خیلی کم از پرش و تکان ماهیچه هایم ناراحت می شوم.
- ۲۷) خیلی وقتها احساس می کنم که مرتکب کار زشت و خطایی شده ام.
- ۲۸) بیشتر اوقات خوشحالم.
- ۲۹) بعضی اشخاص آن قدر تحکم می کنند که حتی وقتی می دانم حق با آنهاست دلم می خواهد بر خلاف آن چه می خواهند رفتار کنم.
- ۳۰) معتقدم بر ضد من توطئه چینی می شود.
- ۳۱) اغلب مردم حاضرند حتی با شیوه های غیر عادلانه به منافع و مزایایی برسند.
- ۳۲) معده ام خیلی ناراحت می کند.
- ۳۳) اغلب نمی فهمم چرا آنقدر بد خلق و بد قلق بوده ام.
- ۳۴) بعضی اوقات افکارم سریعتر از آن بوده که بتوانم به زبان بیاورم.
- ۳۵) فکر می کنم زندگی خانوادگیم به خوبی زندگی اغلب کسانی است که می شناسم.
- ۳۶) گاهی وقتها احساس می کنم که واقعا "آدم بی مصرفی هستم.
- ۳۷) در چند سال اخیر بیشتر اوقات حالم خوب بوده است.
- ۳۸) در زندگی من مواقعی بوده است که در آن دست به کارهایی زده ام که بعدها نمی دانستم چه بوده است.
- ۳۹) احساس می کنم غالبا "بی دلیل مجازات شده ام.
- ۴۰) هیچوقت حالم بهتر از حالا نبوده است.
- ۴۱) برایم مهم نیست که دیگران درباره من چه فکر می کنند.
- ۴۲) حافظه ام خوب است.
- ۴۳) گفتگو با غریبه ها برایم دشوار است.
- ۴۴) اغلب سرتا پا احساس ضعف می کنم.
- ۴۵) به ندرت دچار سردرد می شوم.
- ۴۶) تا به حال اشکالی در حفظ تعادل خود موقع راه رفتن نداشته ام.
- ۴۷) بین کسانی که می شناسم بعضی ها را دوست ندارم.
- ۴۸) کسانی هستند سعی دارند افکار و عقاید مرا بدزدند.
- ۴۹) کاش این قدر خجالتی نبودم.
- ۵۰) معتقدم گناهانم غیر قابل بخشش هستند.
- ۵۱) غالبا "از چیزی دلوایسم.
- ۵۲) رفقایم غالبا "مورد پسند مادر و پدرم نبوده اند.
- ۵۳) کمی پشت سر دیگران غیبت می کنم.

- ۵۴) بعضی وقتها احساس می‌کنم که خیلی آسان تصمیم می‌گیرم.
- ۵۵) تقریباً هیچ وقت تپش قلب یا تنگی نفس نداشته‌ام.
- ۵۶) زود از جا در می‌روم و زود آرام می‌گیرم.
- ۵۷) بعضی وقتها آن قدر بی‌قرار بوده‌ام که نمی‌توانسته‌ام یک جا بند شوم.
- ۵۸) والدین و اعضای خانواده‌ام بیش از حد از من ایراد می‌گیرند.
- ۵۹) برای هیچ‌کس چندان مهم نیست چه به سرم می‌آید.
- ۶۰) سوء استفاده از کسی که خود چنین امکانی را می‌دهد، بد نمی‌دانم.
- ۶۱) گاهی اوقات احساس می‌کنم سرشار از انرژی هستم.
- ۶۲) قدرت بینایی من به خوبی سالهای گذشته است.
- ۶۳) خیلی کم متوجه شده‌ام که گوشم زنگ یا وزوز کند.
- ۶۴) یکی دو بار احساس کرده‌ام که کسی سعی دارد با تلقین و هیپنوتیزم مرا وادار به انجام کارهایی بکند.
- ۶۵) موقعی بوده است که بدون علت خاص و برخلاف معمول با نشاط بوده‌ام.
- ۶۶) حتی وقتی با دیگرانم احساس تنهایی می‌کنم.
- ۶۷) فکر می‌کنم تقریباً هر کس برای این که به دردم نیفتد دروغ خواهد گفت.
- ۶۸) من حساس‌تر از دیگران هستم.
- ۶۹) موقعی است که مغزم کندتر از حد معمول کار می‌کند.
- ۷۰) غالباً مردم مرا ناامید می‌کنند.
- ۷۱) در استعمال دخانیات افراط کرده‌ام. یا در خوشگذرانی افراط کرده‌ام.